



نگاهی به نگارستان ابن کمال پاشا، اثری ناشناخته به تقلید از گلستان سعدی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها^۱

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۳

چکیده

شمس‌الدین احمد بن سلیمان رومی معروف به ابن کمال پاشا و کمال پاشازاده، از شاعران، مورخان و مؤلفان بزرگ قرن دهم هجری در قلمرو دولت عثمانیان است. او از نویسندگان پرکاری بود که به سه زبان ترکی، فارسی و عربی، آثاری از خود به جای گذاشته است؛ آثار وی بیشتر در زمینه تاریخ، ادبیات، دستور زبان، زبان‌شناسی، کلام و فقه است و رساله‌های متعددی نیز بدو منسوب است. برخی از آثار او، از جمله دیوان، به زیور چاپ آراسته شده

^۱ . plbdum@gmail.com

ولیکن بخش عمده‌ای از آثار او، به صورت نسخه‌های خطی، در گوشه و کنار کتابخانه‌های جهان در زاویه‌ی فراموشی و نسیان است. یکی از آثار ارزنده و ناشناخته کمال پاشا که به تقلید از گلستان سعدی، به نظم و نثر تألیف گردیده و تا کنون معرفی و چاپ نگردیده، نگارستان اوست. این پژوهش بر آن است تا برای نخستین بار، ضمن معرفی کامل این اثر، به معرفی شش نسخه‌ی خطی تازه‌یافته از آن که در کتابخانه‌های مختلف ایران نگهداری می‌شود، بپردازد.

کلید واژه‌ها: ادبیات فارسی، ادبیات ترکی، کمال پاشازاده، نگارستان،

نسخه خطی، تصحیح.

مقدمه

پادشاهان عثمانی و بزرگان دربار آنها، توجه ویژه‌ای به زبان و ادب فارسی داشتند. در کنار این استقبال و توجه، ثروت فراوان سلاطین عثمانی و نیز تسلطی که بر قسمتهای پهناوری از کشورهای اسلامی داشتند، باعث گردید تا درگاهشان، پناهگاه و ملجأ خوبی برای دانشمندان و ادیبی گردد که از سرزمینهای دیگر بدان جا مهاجرت داشتند. «در استانبول که مقر حکومت ترک بود، زبان فارسی بر زبان عربی و حتی ترکی، مزیت داشت و سلاطین عثمانی از آغاز تشکیل دولتشان، به زبان و ادب فارسی، با عشق و علاقه‌ی خاص می‌نگریستند و حتی بدین زبان شعر می‌گفتند». (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۶). بدین ترتیب پایتخت عثمانی‌ها، محلی گردید جهت اجتماع دانشمندان و ادبا و مرکزی برای گرد آمدن نسخه‌های فراوانی از کتابهای گوناگونی که به واسطه ادیبان و دانشمندان ایرانی تألیف گردیده بود. «اجتماع همین کتابهای بی‌شمار و کتابهای دیگری از سراسر بلاد اسلامی در روم، باعث شد که بهترین کتابها در ذکر موضوعات علوم و معرفی کتابهایی که در فنون مختلف تا عهد مؤلفانشان، پدید آمده بود، در آن دیار به وجود آید. مانند مفتاح السعاده تألیف طاش کبری‌زاده و کشف‌الطنون حاجی خلیفه و ایضاً المکنون اسماعیل پاشا و هدایه‌العارفین در ذکر نام و بیان خلاصه‌ی احوال مؤلفان و شاعران و عالمان و ادیبان عربی و فارسی و ترکی و جز آن» (صفا، ۱۳۷۳: ۴۶/۵).

با وجود آنکه امپراطور عثمانی در دوره‌ی اوج نفوذ و گسترش خود در قرنهای دهم و

یازدهم، در سرزمینهای تحت سلطه خود (بخش‌هایی از بالکان و نواحی جنوب شرقی اروپا) باعث گسترش فراوان زبان فارسی در این سرزمینها گردید و حتی سبب شد تا زبان فارسی در مدرسه‌ها به عنوان زبان ادبی و عرفانی تدریس گردد، اما این توجه به زبان فارسی دیری نپایید و دوره‌ی سلطان سلیم و پسرش سلیمان قانونی، آخرین دوره‌ی رواج شعر و ادب فارسی در آن سرزمینها بود. «چراکه در سرزمینهای عثمانی، از یک طرف ساکنان غیر ترک آسیای صغیر، کم کم مسلمان شدند و زبان ترکی رواج و توسعه‌ی بیشتری یافت و از طرف دیگر با تصرف سرزمینهای عربی، هم چون مصر و عربستان و عراق و شام و یمن و الحاق آنها به امپراطوری عثمانی، رفت و آمد میان عربها و ترکها افزایش یافت و زبان عربی به رقابت با زبان فارسی برخاست» (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۸). یکی از عالمان و مورخان و شاعرانی که در این دوره (زمان حکومت سلیم و فرزندش سلیمان قانونی) می‌زیست، کمال پاشا زاده معروف به شیخ الاسلام شمس‌الدین احمد بود. او را مفتی‌الثقلین و ابن کمال پاشا نیز می‌نامند. می‌گویند که پدران او از ایرانیان بوده‌اند و پدر و مادرش، از ایران به روم رفته و در شهر توقات ساکن شده بود (پیشین، ۱۹۶). کمال پاشا زاده، در جوانی سپاهیگری پیشه کرد اما چون دید که دولتیان و سپاهیان، به ملا لطفی که مدرس کما بیش، پیش پا افتاده‌ای بوده، بسیار حرمت می‌گذارند، بر آن شد تا در جامعه‌ی اهل علم در آید. بدین ترتیب وی کارهای نظامی را رها کرد و تحصیلاتش را در دارالحدیث ادرنه، در خدمت ملا لطفی و دیگرانی همچون قسطنطینی، خطیب زاده و معروف زاده آغاز کرد و تفسیر، حدیث، کلام و دیگر علوم شریعه را نیز فرا گرفت و در ادبیات فارسی و ترکی و عربی به کمال رسید و به دنبال آن «چند گاهی در شهر اسکوب تدریس می‌کرد و در عهد سلطان سلیم اول (۹۲۶ - ۹۱۸ هـ)، قاضی عسگر آناتولی شد و با همین سمت در لشکرکشی به مصر، همراه سلطان سلیم بود. او در بازگشت از این سفر، از سال ۹۳۱ مرتبه‌ی شیخ‌الاسلامی داشت، تا به سال ۹۴۰ در گذشت و پیکرش را در بیرون دروازه‌ی ادرنه، در خانقاه شاگردش محمود چلبی (که بعدها قاضی مصر شد)، به خاک سپردند» (صفا: ۱۶۱۸/۵).

آثار و تألیفات ابن کمال پاشا:

ابن کمال پاشا با توجه به آشنایی به زبان ترکی، پارسی و عربی، آثار فراوان و متعددی در هر سه زبان نگاشت. او از جمله نویسندگان پرکاری است که بیش از دویست اثر و رساله

بدو منسوب است. مهم ترین آثار و تألیفات او عبارتند از:

۱- دیوان:

ابن کمال علاوه بر تاریخ و نویسندگی، در شعر نیز دستی داشت. بخشی از دیوان او که شامل دو قصیده و حدود ۳۰۰ غزل ترکی است، به چاپ رسیده است.

۲- تاریخ سلاطین عثمانی:

ابن کمال پاشا این اثر را به زبان ترکی، در سال ۹۰۸ هجری آغاز نمود. این اثر به اشاره‌ی سلطان بایزید، در هشت دفتر نوشته شده و هر دفتری از آن مربوط است به تاریخ یکی از شاهان عثمانی.

۳- ترجمه‌ی منظوم قصیده‌ی برده:

این اثر، ترجمه‌ای است از قصیده‌ی معروف برده از بوسیری که ابن کمال پاشا آن را به ترکی سروده است.

۴- یوسف و زلیخا:

این اثر در قالب مثنوی است که به زبان ترکی و در هفت هزار و هفتصد و هفتاد و هفت بیت سروده شده و تقلیدی است از یوسف و زلیخای جامی که به بایزید دوم تقدیم شده است. در جای جای این مثنوی، غزلهایی نیز درج گردیده است. این اثر تا کنون تصحیح و چاپ نگردیده و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا، دانشگاه استانبول و کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است. (رک. انوشه، ۱۳۸۳: ۶۹۰).

۵- دقایق الحقایق:

دقایق الحقایق، کتاب لغتی است درباره‌ی زبان فارسی، به ترکی که در آن درباره‌ی تمایزات میان مترادف‌های آشکار زبان فارسی، بحث گردیده است و به ابراهیم پاشا هدیه داده شده است. صفا درباره‌ی این اثر می‌نویسد: «ابن کمال پاشا، کوشیده است تا در دقایق الحقایق، واژه‌های همسان و مترادف (مثل بزرگ و بزرگوار، سترک و کلان و مانند خاشاک و خاشه، خس و خسک) را برگزیند و معنای هر یک را شرح دهد. در حقیقت باید گفت، این لغت‌نامه که اصلاً به ترتیب الفبایی تنظیم نشده، بیشتر به نحوه‌ی استعمال واژه‌ها، در ادب فارسی توجه داشته تا به بیان معنای هر واژه و نظم دادن آنها به صورت لغت‌نامه‌ی عادی؛ و به همین سبب احمد بن خضر اسکویی، شاعر معروف به علوی، آن را به نظم الفبایی حرفه‌ای اول هر واژه در آورده و لغت‌نامه‌ی منظمی از آن ترتیب داده است» (صفا، ۱۳۷۳: ۳۹۲/۵).

۶- محیط اللغه:

این اثر فرهنگی است عربی - فارسی که ابن کمال پاشا آن را در سال ۹۲۶ ق تألیف کرده است.

۷- تفسیر قرآن:

این تفسیر به زبان عربی نگاشته شده که ناتمام باقی مانده و نسخه‌ای دست‌نویس از آن در کتابخانه‌ی اسعد افندی نگهداری می‌شود (انوشه، ۱۳۸۳: ۶۹۰).

۸- ایضاح الاصلاح:

این اثر که به نام اصلاح الوقایه المسمی بالایضاح نیز نامیده می‌شود، به عربی است و درباره‌ی فقه حنفی که نسخه‌ای از این اثر نیز در کتابخانه‌ی اسعد افندی نگهداری می‌شود.

۹- تغییر التنقیح:

این کتاب به زبان عربی است و اصلاحی است بر تنقیح الاصول از عبیدالله محبوی که ابن کمال پاشا آن را در سال ۹۳۱ قمری به پایان رسانده است.

۱۰- تغییر المفتاح:

این اثر نیز اصلاح و تفسیر گونه‌ای است بر مفتاح العلوم سکاکی به زبان عربی.

۱۱- الفلاح فی شرح المرح:

الفلاح، شرحی است بر مراح الارواح از احمد بن علی بن مسعود (نفیسی، ۱۳۴۴: ۸۱۳).

۱۲- قواعد الفرس:

این کتاب که به نام قواعد فارسیه نیز نامیده می‌شود، در دستور زبان فارسی است که در چهار باب و به دو زبان عربی و فارسی گزارش شده است.

۱۳- مزیه السان الفارسی:

نام کامل این اثر، لسان الفارسی علی سائرالاسنه ما خلا العربی است که با نام برتری زبان فارسی بر دیگر زبانها به چاپ رسیده است.

۱۴- رساله وجود:

این اثر گفتاری است در وحدت وجود به شیوه‌ی صوفیان که به زبان فارسی نوشته شده است.

۱۵- رساله‌ی یائیه:

نام کامل این اثر، رساله‌ی یائیه فی لسان الفارسی است. این کتاب شرح گونه‌ای است بر

یاء زائد فارسی که در آخر واژه‌ها و فعلهای فارسی می‌آید. نویسنده‌ی این اثر ۲۰ نوع، از این نوع از یاء را یافته و ضمن شناسایی آن، اشعاری از شاعران گذشته را استشهد آورده است. کمال پاشا در این اثر نیز، همانند دقایق الحقایق به نحوه‌ی استعمال واژه‌ها در متون ادبی سر و کار داشته است. (رک. صفا، ۱۳۷۳: ۳۹۶/۵).

۱۶- رساله التعریب من التعجیم:

این کتاب به عربی است و رساله‌ای است درباره‌ی واژه‌هایی که از زبان فارسی به عربی راه یافته است.

دیگر آثار:

تألیفات و نوشته‌های کمال پاشا زاده، به موارد مذکور ختم نمی‌شود و چنان که بیان گردید، بیش از ۲۰۰ اثر بدو منسوب است. آثاری به زبان عربی هم چون: شرح الهدایه، مهمات المفتی، حاشیه بر تلویح تفتازانی، شرح فرایض السراجیه‌ی سجاوندی، اربعینات و یا چهار مجموعه‌ی جداگانه حدیث با شروح آن، حاشیه بر تفسیری که سید شریف جرجانی از مواقف عضدایجی کرده است؛ حاشیه بر تهافت الفلاسفه خواجه زاده، شرح خمیره‌ی ابن فارض؛ الرساله المنیریة؛ التجوید (در کلام)؛ شرح مشارق الانوار، طبقات الفقهاء؛ طبقات المجتهدین؛ رساله فی طبیعه الافیون؛ رساله فی الطاعون؛ راح الارواح فی دفع عاهه الاشباح و آثاری به زبان ترکی هم چون فواید طبیه؛ شرح حدیث الاربعین، ترجمه‌ی پیر محمد العاشق بن علی البقاعی؛ رساله‌ی طب؛ فارسی تکلم رساله سی (به ترکی و فارسی) و آثاری به زبان فارسی هم چون ترجمه‌ی رجوع‌الشیخ الی صباه که به اشاره‌ی سلطان سلیم به فارسی ترجمه کرده و آن را آب زندگانی نامیده است. و دیگر آثاری که از ذکر همه‌ی آنها خودداری می‌کنیم (برای مزید آگاهی رک. حاجی خلیفه، ۱۳۸۵: ج ۵، ۶ و ۷؛ منزوی، ۱۳۴۹، ج ۲ و ۳؛ و نفیسی، ۱۳۴۴؛ ج ۳).

نگارستان ابن کمال پاشا:

نگارستان یکی از ارزشمندترین آثار ابن کمال پاشاست. این اثر، کتابی است تعلیمی به زبان فارسی که در سال ۹۳۹ قمری نوشته شده (بر اساس ماده تاریخ نگارستان بی‌مانند؛ مؤلف آن را به ابراهیم پاشا، معروف به مقبول، وزیر سلطان سلیمان قانونی (۹۷۴ - ۹۲۶ ق)

اتحاف نموده است. نگارستان، به تقلید از گلستان سعدی، به همان شیوه و سبک، در یک دیباچه و هشت باب نوشته شده است. اکثر حکایات مندرج در نگارستان، در سیرت شخصیت های تاریخی، هم چون شاهان ساسانی، پیامبر اکرم (ص)، خلفا، شاهان غزنوی و سلجوقی نوشته شده و شامل ۳۹۸ حکایت و ۷۴ حکمت و پند است. ابواب نگارستان عبارتند از:

- ۱- باب اول: در سیرت پادشاهان (شامل ۱۳۲ حکایت).
- ۲- باب دوم: در زی درویشان و اخلاق ایشان، رحمهم الله تعالی (شامل ۸۸ حکایت).
- ۳- باب سوم: در فضیلت فناعت (۷۰ حکایت).
- ۴- باب چهارم: در فضایل خاموشی (۵۳ حکایت).
- ۵- باب پنجم: در عشق و جوانی (۳۴ حکایت).
- ۶- باب ششم: در ضعف و پیری (۱۷ حکایت).
- ۷- باب هفتم: در تأثیر تربیت (۵ حکایت؛ کوتاهترین باب).
- ۸- باب هشتم: در آداب اصحاب صحبت (جملات کوتاه درباره‌ی عدالت، سخاوت، زهد، علم، قضا، قدر و غیره).

نگارستان دارای نثری متکلف و مصنوع است و آراسته به انواع صنایع لفظی و معنوی است که گاه نثر کتاب را به اطناب و گاه تکلف کشانده؛ اگرچه نویسنده اثر خود را بر بهارستان جامی برتری داده است. این اثر به واسطه یحیی بن زکریای مفتی (۱۰۵۳ قمری) به ترکی ترجمه شده است.

نسخه‌های موجود از نگارستان:

علاوه بر نسخه‌ها و دست نوشته‌هایی که در کتابخانه‌های مختلف دنیا همچون مدینه، استانبول، کوپنهاک و قاهره موجود است، شش نسخه‌ی نفیس از این اثر، در کتابخانه‌های کشور ایران موجود است که در ذیل به توصیف آن پرداخته می‌شود.

۱- نسخه‌ی مکتوب به سال ۹۵۹ قمری:

این نسخه‌ی نفیس و ارزنده که تنها ۲۷ سال پس از نگارش نگارستان، کتابت گردیده است، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره‌ی ۷۷۸۱ نگهداری می‌شود. این دست‌نوشته به خط نسخ و در تاریخ پنج‌شنبه ۲۳ صفر ۹۵۹ در ۳۰۹ برگ کتابت گردیده و کامل‌ترین و قدیم‌ترین نسخه‌ی موجود از این اثر در ایران است. (رک. درایتی، ۱۳۸۹:

(۸۱۱/۱۰).

۲- نسخه‌ی مکتوب به سال ۹۶۳ قمری:

این نسخه‌ی ارزشمند نیز تنها چهل و یک سال پس از تاریخ تألیف نگارستان، به وسیله‌ی کاتبی به نام محمد بن خسرو شهیریه بنده‌گان محمد بن الجمالی، به خط نستعلیق کتابت گردیده و در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران با شماره‌ی ۴۸۱۲ نگهداری می‌شود.

۳- نسخه‌ی مکتوب به سال ۹۷۳ قمری:

نسخه‌ی مذکور نیز در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران، با شماره‌ی ۳۹۷۲ نگهداری می‌شود و در نیمه‌های محرم ۹۷۳ هجری در ۱۸۱ برگ (تنها ۵۱ سال پس از تألیف نگارستان) به رشته‌ی تحریر در آمده است.

۴- نسخه‌ی مکتوب به سال ۹۸۲ قمری:

نسخه‌ی مذکور یکی از نفیس‌ترین نسخه‌های خطی نگارستان ابن کمال پاشا است که در ادامه به توصیف و گزارش کامل آن پرداخته خواهد شد.

۵- نسخه‌ی کتابت ۱۰۶۹ قمری:

این نسخه با شماره ۱۸۷۰۷ در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود. این دست‌نوشته در تاریخ ۱۰۶۹ هجری قمری در ۱۸۲ برگ کتابت گردیده است.

۶- نسخه‌ی مکتوب در قرن سیزدهم:

این نسخه به خط نستعلیق است و در قرن سیزدهم (بدون تاریخ دقیق کتابت) در ۲۰۴ برگ کتابت گردیده و در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی با شماره ۸۷۸۱ نگهداری می‌شود.

معرفی نسخه‌ی مکتوب به سال ۹۸۲ نگارستان:

این نسخه که تنها ۵۰ سال پس از تألیف این اثر کتابت گردیده، به واسطه‌ی کاتبی به نام عزیزالدین بن احمد عزالدین هنکوبی لاری، در محرم سال ۹۸۲ نوشته شده است. خط این نسخه‌ی نفیس، نستعلیق خواناست که در ۱۸۴ برگ کتابت گردیده و در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران با شماره‌ی ۴۲۸ نگهداری می‌شود.

آغاز نسخه:

منت‌های بی‌منتها، خدای بی‌همتا را عزوجل که نه در تشیید بنای حکمش عجل است و نه در تنفیذ قضای حکمش وجل...

انجام نسخه:

سود نهد به زهد دلق کبود آنکه حق را به خرقة یافت که بود

تمّ کتابت نگارستان و الله المستعان و علیه التکلان... علی ید اضعف العباد الله و احوجهم الی رحمہ الله؛ عزیزالدین بن احمد عزالدین هنکویی لاری،... فی شهر محرم الحرام سنه اثنین و ثمانین و تسع مائه الهجریه النبویه و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه اجمعین و الحمد لله رب العالمین.

در بعضی از صفحات نسخه، هامش و حاشیه‌هایی مکتوب است که کاتب، به شیوه‌ی دیگر کاتبان، به جهت جلوگیری از خط خوردگی و یا نقل جملاتی که احتمالاً از قلم افتاده، نوشته است.

متن نگارستان با دیباچه‌ای منثوری است آمیخته با اشعار، در حمد و سپاس ایزد و نعت پیامبر مختار و به دنبال آن، نویسنده به مدح ابراهیم پاشا، وزیر سلطان سلیمان با القاب و عباراتی چون آصف دوران، «آصف صفدر مظفر غضنفر فر، جریده‌ی امرای رزم آرای، بیت القصیده‌ی وزرای پر حزم و رای، سپهر کرم، جهان فضایل، محیط کمال، آسمان جلال و... می‌پردازد و از او درخواست شرف الثفات کرده است. پس از مدح ابراهیم پاشا، کتاب با یک دیباچه و هشت باب، به شیوه‌ی گلستان سعدی به نگارش در آمده است. «این کتاب پر زینت و زین که اصول ابوابش چون فصول فروردین و اردیبهشت، بهشت آیین است، بنیاد نهاد بر هشت ابواب اتفاق افتاد» (ص ۲۱ متن نسخه). با تأمل در نگارستان ابن کمال پاشا، می‌توان به برخی از منابع و آثاری که نویسنده در نوشتن این اثر، توجه ویژه به آنها داشته، پی برد. در کنار گلستان سعدی که منبع اصلی نویسنده بوده و خود نویسنده در دیباچه اثر بدان اشاره می‌کند: «اندر صفت نگارستان و مدح گلستان و قدح بهارستان؛ ابواب این کتاب مستطاب که در باب ترغیب و ترهیب ساخته و پرداخته شده است و در ترکیب و ترتیبش، طریقه‌ی گلستان حضرت شیخ سعدی، که فی الحقیقه حدیقه‌ی ازهار اسرار حکمت است، اختیار

افتاده؛ بدایع صنایع و ظرایف لطایفش را تتبع کردم و از آن خوان گوناگون، فزون از عدّ بیان و حدّ تبیان، تمتع گرفتم و از گلشن آن باغبان حکمت دسته‌بندی و از خرمن آن دهقان معرفت، خوشه‌چینی کردم و در بابهای آن فخر ارباب فقر و فنا که کتابش، ذخر کتاب بلاغت نصاب است، از گدایی عار ننموده...» (صفحه‌ی ۱۸ و ۱۹ نسخه).

بهارستان جامی نیز از منابع اصلی نویسنده در نگارش نگارستان بوده است؛ اگرچه در مقدمه‌ی اثر به قدح و طعن آن اثر پرداخته و آن کتاب را فروتر از نگارستان خود می‌داند، اما در برخی از حکایتها، بین این دو اثر، مشابهت‌های فراوانی وجود دارد. مؤلف درباره‌ی بهارستان چنین گوید:

«چون بهارستان جامی در میوه‌های این بستان دلستان، نشان خامی و در غورهای این باغ روشن، چون چراغ داغ، ناتمامی نیست و بدین نوعروسان افکار که چون طاوسان پرنگار گلزار به وجود آمدند، شیوه‌ای بارد و عشق شارد، نی؛)

بهارستان، نگارستان ما نیست	ولیکن چون نگارستان ما نیست
گلستان کتاب ما ز هر باب	پر از گل‌های رنگین معانی است

لطیفه‌های دلاویز و سقیفه‌های بذله آمیزش، هر چند آمیزش هزل دارد، اما جدّ انگیز است؛ این طبع قنّاد نقّاد که مانند نار و قنّاد تیز است، در میان داروی تلخ پند سودمند، قند ریز است» (ص ۱۹ نسخه). اما چنان که گفته شد، برخی از حکایت‌های این دو اثر قابل تطبیق است. از جمله این حکایت:

بهارستان:

«در مقامات السلطان الطریقه، شیخ ابوسعید ابوالخیر مذکور است که روزی قوآلی، در پیش ایشان این بیت بخواند:

اندر غزل خویش نهان خواهم گشتن تا بر لب تو بوسه زخم چو نوش وی

شیخ را وقت خوش شد، پرسید که این کیست؟ گفتند... (جامی، ۱۳۶۷: ۹۲).

نگارستان:

«در سیر ابوسعید ابوالخیر، مذکور است و مسطور که روزی قوآل شیرین مقال، در پیش ایشان این بیت خواند:

اندر غزل خویش نهان خواهم گشتن تا بوسه زخم بر لب تو چو نوش بخوانی

شیخ خوش حال شد، قوال را پرسید که این شعر از آن کیست؟ گفت... (نگارستان، ص ۲۸۰ نسخه)».

گفتنی است منبع هر دو حکایت در بهارستان و نگارستان، اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید، از محمد بن منور است.

از دیگر آثاری که مؤلف نگارستان، در کنار گلستان و بهارستان و بوستان سعدی (که بارها بدان اشاره می‌کند؛ بشنوید ای دوستان ای دوستان / کرده نظمش شیخ اندر بوستان)، بیشترین اثر را از آن پذیرفته، تاریخ گزیده حمدالله مستوفی، شاعر و نویسنده‌ی قرن هشتم هجری است. این اثر تاریخ کاملی است از تاریخ عمومی و تاریخ اسلام و ایران؛ چنان که بیان گردید نگارستان با وجود تعلیمی بودن و تتبع از گلستان، سرشار از حکایات تاریخی در سیرت شخصیت‌های تاریخی اسلام و ایران است. بر این اساس، تاریخ گزیده، از منابع اصلی نگارستان ابن کمال پاشا بوده و نویسنده برخی از حکایات کتاب خود را از این اثر برگرفته و با اندک تغییری در نگارستان درج نموده؛ اگرچه مؤلف در هیچ‌جایی از نگارستان، نامی از تاریخ گزیده نیآورده است. حکایتی در نگارستان آمده که شروع آن چنین است:

«سلطان از غرور شباب و سرور شراب، خواست که دستبردی نماید؛ با خوارمایه خدم و حشم، چنگ جنگ به دامن دشمن نهنگ آهنگ زد. هوا قیرگون شد»
نظم:

هوا قیرگون شد ز گرد نبرد بر اینانچ چون شیر نر حمله کرد

و از شاهنامه این ابیات را بخواند (الخ)؛ (ص ۱۲۸ نسخه)؛

قابل تطبیق است با این حکایت در تاریخ گزیده از حمدالله مستوفی:

«سلطان از غرور جوانی و مردانگی و شراب، با خوارمایه سپاه، به جنگ رفت و در برابر

اینانچ حمله کرد و از شاهنامه می‌خواند این ابیات:

چو زان لشگر گشن برخاست گرد رخ نامداران ما گشت زرد

(مستوفی، ۱۳۶۱: ۴۷۷)

و حکایات و عباراتی از این قبیل، که ذکر همه آنها در این مقال نمی‌گنجد. گفتنی است علاوه بر گلستان و بهارستان و تاریخ گزیده، ابن کمال پاشا در نگارستان، در برخی از

حکایات به سلسله الذهب جامی، مثنوی معنوی مولوی، چهار مقاله نظامی عروضی، نظر داشته و به ویژه از چهار مقاله، حکایت سرودن رودکی و بازگشت امیر سامانی به بخارا را فرا گرفته و با دگرگونی کلام و عبارات، آن را در لباسی دیگر با عباراتی مسجع و آهنگین بیان نموده است. «امیر شهیر نصر بن احمد... در ایام سلطانی و هنگام جهانبانشی، از دارالملک بخارا، ارتحال نمود و به مرو شاهجان که کرسی دیار خراسان بود، انتقال فرمود. زمانی در آن مقام خوش هوا و دلکش فضا، آرام گرفت؛ هر گاه که عزم ارتحال را جزم کردی به زبان حال مرو، مر او را مرو مرو گفتم... سلطان زمانی مدید و عهدی بعید در آنجا بماند؛ نفوس رؤوس خدم و حشم، به وطن مألوف و مسکن معروف طالب بودند... از رودکی شاعر که در علم غنا، داوود وار ماهر و در عمل موسی قار، اعجوبه‌ی روزگار بود... در باب ترغیب سلطان کامیاب به جانب بخارا تدبیر دلپذیر جستند (الخ) (ص ۵۶ متن نسخه).

ابن کمال پاشا در کنار تمامی آثار و کتب مذکور، استشهداتی که از شاهنامه‌ی فردوسی، کیمیای سعادت امام محمد غزالی، سیرالملوک خواجه نظام الملک، در متن نگارستان دارد و اشاراتی که به شاعرانی همچون نظامی، سعدی، خاقانی، ناصر خسرو، انوری، امیر معزی و غیره دارد، هر کدام مجال مبسوطی می‌طلبد که پرداختن به همه‌ی آنها در این مقاله، مقدور نیست.

نتیجه‌گیری:

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- ۱- یکی از ادوار گسترش زبان و ادب فارسی در سرزمینهای عثمانی، دوران حکومت سلیم یکم عثمانی و فرزندش سلیمان قانونی است. سلطان سلیم بسیاری از هنرمندان و ادیبان ایرانی را، از ایران با خود به عثمانی برد. این کوچندگان به همراه ایرانیان ساکن شهرهای عثمانی، در توسعه زبان فارسی در قلمرو ترکان، کوشش‌های فراوانی نمودند.
- ۲- ابن کمال پاشا، از دانشمندان و مؤلفان بزرگ در قلمرو حکومت عثمانی است که خود از رجال معروف درباری بوده و در توسعه زبان و ادب فارسی نقشی اساسی ایفا نمود و با توجه به اشراف و احاطه بر سه زبان ترکی، پارسی و عربی، آثار فراوانی از خود به جای گذاشته است.
- ۳- بیش از دویست رساله و شرح و تفسیر و کتب لغت به زبان عربی و فارسی به ابن کمال

پاشا منسوب است که در این میان یکی از ارزنده‌ترین آثار او، نگارستان است.

۴- نگارستان ابن کمال پاشا به تقلید از گلستان سعدی، با حفظ سبک و شیوهی سعدی و نیز نحوه‌ی نگارش و ترتیب و تبویب اثر، و با اثر پذیری از آثاری هم چون تاریخ گزیده‌ی حمدالله مستوفی و آثار جامی، به ویژه بهارستان، تصنیف و تألیف گردیده و با وجود آنکه نسبت به گلستان سعدی، چندان ابتکار و نوآوری در آن دیده نمی‌شود، ولیکن با توجه به ترک زبان بودن نویسنده، می‌توان آن را در بین بیش از ۵۰ تقلیدی که از گلستان سعدی صورت گرفته، جز تقلیدهای موفق محسوب کرد.

۵- این اثر از جمله آثار تعلیمی به زبان فارسی از نویسندگانی ترک زبان است که با دقت در نحوه‌ی کاربرد آرایه‌های ادبی، جملات و عبارات مسجع و آهنگین و نحوه‌ی تلفیق و ترکیب نظم و نثر، هنرنمایی‌های نویسنده در اقتباس از آیات قرآن کریم و نیز استناد و استشهاد به ابیات شعرای زبان فارسی و غیره، می‌توان به میزان ذوق والا و علاقه‌ی وافر نویسنده، به زبان و ادب فارسی پی برد.

منابع و مآخذ:

- ۱- انوشه، حسن، (۱۳۸۳)، *دانشنامه‌ی ادب فارسی*، ادب فارسی در آناتولی و بالکان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۶۷)، *بهارستان*، تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران، اطلاعات.
- ۳- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۸۳۵ م)، *کشف الطنون*، لندن.
- ۴- خسرو شاهی، رضا، (۱۳۵۴)، *شعر و ادب فارسی در کشورهای همسایه (آسیای صغیر) تا سده‌ی دهم هجری*، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- ۵- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۹)، *فهرستواره‌ی دست‌نوشته‌های ایران*، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۶- رستگار فسایی، منصور، (۱۳۸۰)، *انواع نثر فارسی*، تهران، انتشارات سمت.
- ۷- ریاحی، محمد امین، (۱۳۶۹)، *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، تهران، پاژنگ.
- ۸- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۳)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، انتشارات فردوس.
- ۹- علایی، ذوالفقار و فریبا کیانیان، (۱۳۸۹)، *مقایسه‌ی سبکی منشآت قائم مقام و گلستان*

- سعدی، مجله‌ی علمی - پژوهشی فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال اول، شماره سوم.
- ۱۰- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۱)، **تاریخ گزیده**، به کوشش ادوارد براون، تهران انتشارات دنیای کتاب.
- ۱۱- مفتاح، الهامه و ولی وهاب، (۱۳۷۴)، **نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه**، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۲- منزوی، احمد، (۱۳۵۲)، **تتبع در گلستان سعدی**، سومین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی، به کوشش محمد روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۳- نفیسی، سعید، (۱۳۶۳)، **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**، تهران: انتشارات فروغی.
- ۱۴- یازجی، تحسین، (۱۳۷۱)، **پارسی نویسان آسیای صغیر**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.